

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال سیزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۶ Scopus

صص ۲۰۲ - ۲۲۱

تحلیل تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای

حسین مهدیان - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

دکتر علی‌علی حسینی* - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

دکتر علیرضا آقا حسینی - دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۲۷

چکیده

این پژوهش در پی تبیین میزان و نوع تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی ایران بر نگاه و رویکرد اتخاذی از سوی طرفین پرونده هسته‌ای ایران است. در همین راستا، تلاش گردیده، با رویکردی تلفیقی، بین «واقعیت‌های ژئوپلیتیک» کشور و نگاه و درک طرفین پرونده هسته‌ای، ارتباط برقرار شود. یافته‌های پژوهش (که فرضیات آن به صورت میدانی مورد ارزیابی قرار گرفته است)، نشان می‌دهد از منظر میزان تأثیرگذاری، عوامل ژئوکالچری بیشترین تأثیرگذاری را بر نگاه بازیگران مؤثر در پرونده هسته‌ای داشته‌اند و عوامل ژئواستراتژیکی، ژئواکونومیکی و هیدروپلیتیکی به ترتیب در رده‌های بعدی اثرگذاری قرار دارند. در بررسی نوع تأثیرگذاری بر «نگاه و رویکرد خودی» نیز، عوامل ژئوکالچری بالاترین اثرگذاری مثبت و عوامل ژئواکونومیکی نیز، بالاترین میزان اثرگذاری منفی را داشته‌اند. همچنین، در ارزیابی میزان تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی ایران، بر «نگاه و رویکرد طرف مقابل (۵+۱)»، عوامل ژئوکالچری بالاترین اثرگذاری منفی وضعیت هیدروپلیتیک ایران کمترین اثرگذاری منفی را داشته است.

واژه‌های کلیدی: عوامل ژئوپلیتیک ایران، سیاست امنیت ملی، پرونده هسته‌ای ایران.

E-mail: A.alihosseini@ase.ui.ac.ir

*نویسنده عهده‌دار مکاتبات

۱- مقدمه

برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران از سال ۱۳۸۱ خورشیدی از یک سو به دلیل پیشرفت‌های هسته‌ای ایران از جمله غنی‌سازی اورانیوم و از سوی دیگر به دلیل بین‌المللی شدن موضوع هسته‌ای و افزایش نگرانی‌ها و تهدیدات، در صدر موضوعات سیاست خارجی و امنیت ملی ج.ا.ایران قرار گرفته است و در دولت‌های هشتم، نهم و دهم و یازدهم با توجه به شرایط داخلی و تحولات محیط بین‌المللی تحت عنوان پرونده هسته‌ای به صورت یک فرآیند با فراز و نشیب‌هایی مانند: باز شدن پرونده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مذاکرات هسته‌ای ایران و سه کشور اروپایی، توافقنامه تهران در اکتبر ۲۰۰۳ در راستای بازرسی‌های گسترده از تأسیسات اتمی ایران و توقف فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم در ایران، توافقنامه بروکسل فوریه ۲۰۰۴ جهت توقف ساخت و آزمایش سانتریفیوژهای مورد نیاز برای غنی‌سازی و تعلیق ساخت قطعات یدکی سانتریفیوژهای موجود در آن زمان، توافقنامه پاریس و تعلیق داوطلبانه کلیه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و باز فرآوری از سوی ایران، به توجهی غرب به اقدامات ایران و افزایش فشار بر ایران، شروع مجدد غنی‌سازی و دیگر برنامه‌های مرتبط با فناوری هسته‌ای، ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت و صدور قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت بر ضد برنامه هسته‌ای ایران (قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵)، از سرگیری مذاکرات دوره‌ای ایران و ۵+۱، نشست ژنو یک (طرح تعلیق در برابر تعلیق)، نشست ژنو ۲ و ژنو ۳ و پیشنهاد بسته‌های متقابل از سوی ایران و ۵+۱، نشست استانبول ۱ و ۲ و توافق طرفین برای شروع تدوین مدالیته در بغداد، نشست بغداد در می ۲۰۱۲، جنگ تبلیغاتی از سوی غربی‌ها بر سر عدم پذیرش بازرسی از سایت نظامی پارچین از سوی ایران، نشست مسکو در ژوئن ۲۰۱۲، ادامه مذاکرات فنی و حقوقی بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر سر 'PMD، نشست آلمانی قزاقستان در فوریه ۲۰۱۳، تشدید تحریم‌های اقتصادی و فنی آمریکا و اروپا بر ضد ایران همزمان با گسترش کمی و کیفی فناوری هسته‌ای در ایران، تغییر دولت در

ایران و آغاز مجدد مذاکرات هسته‌ای ایران و ۵+۱ از پاییز ۲۰۱۳ و در نهایت برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در تابستان ۲۰۱۵، همراه بوده است.

در دو سوی تحولات پرونده هسته‌ای ایران در ۱۴ سال اخیر، دو دیدگاه و نگرش -هرچند با شدت و ضعف اما نسبتاً پایدار و مشهود- نسبت به برنامه هسته‌ای ایران وجود داشته است. نخست؛ ج.ا.ایران برنامه هسته‌ای خود را مسالمت‌آمیز دانسته و بر اساس هنجارهای کنونی بین‌المللی از جمله بند ۴ معاهده «ان پی تی»، حق طبیعی خود می‌داند. در مقابل این دیدگاه ایران، نگرش و دیدگاه کشورهای غربی و به‌خصوص ایالات متحده آمریکا قرار دارد که برنامه هسته‌ای ایران را تلاش در راستای دستیابی به سلاح اتمی دانسته و به همین دلیل رویکرد فشار و تهدید را در برابر آن در پیش گرفته‌اند.

این پرونده (هسته‌ای ج.ا.ایران) با فراز و نشیب‌های یادشده در طول ۱۴ سال گذشته، از سوی صاحب‌نظران متعدد از منظرگاه‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته است و عوامل مهم تأثیرگذار بر رویکرد و نگرش طرفین (پرونده) بررسی و تحلیل شده است. در این میان یکی از عوامل تأثیرگذار بر پرونده هسته‌ای شاخصه‌های ژئوپلیتیک ایران است. البته با توجه به عینی بودن متغیرهای ژئوپلیتیک، بخش اعظم صاحب‌نظران با رویکردی واقع‌گرایانه، آن‌ها را در رویکردهای قدرت محور بررسی می‌کنند. اما پژوهش حاضر، با رویکردی متفاوت و در چارچوب تئوری «هویت محور» برسازی، مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی ایران را از منظر تأثیرگذاری این عوامل بر نگاه مسئولان ج.ا.ایران به خود و طرف مقابل (اعضای ۵+۱) به ایران و رویکرد اتخاذشده منبث از آن، در پرونده هسته‌ای بررسی و تحلیل می‌نماید. بنابراین، در این پژوهش، مقوله «هویت» از نظریه «برسازی» -با توجه به نوع نظام سیاسی و تأثیرگذاری عوامل هویتی بر سیاست خارجی و امنیت ملی ج.ا.ایران-، برای تحلیل یافته‌های این پژوهش انتخاب گردیده است. به گونه‌ای که تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی ایران بر نوع نگاه مسئولان ج.ا.ایران به خودشان و کیستی‌شان و همچنین (تأثیر این عوامل) بر نگاه طرف مقابل (اعضای ۵+۱) به سیاست ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

این تحقیق به دنبال پاسخ به این مسئله اصلی است که ابعاد ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر سیاست

تحلیل تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست امنیت ملی ... ۲۰۵

خارجی و امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای کدامند؟
در راستای مسئله فوق با این پرسش نیز روبرو می‌شویم که نوع تأثیرگذاری (مثبت یا منفی) هر یک از ابعاد ژئوپلیتیک بر سیاست خارجی و امنیت ملی ج.ا.ایران و طرف مقابل (اعضای ۵+۱) در پرونده هسته‌ای چگونه و به چه میزان است؟

۲- روش تحقیق

این پژوهش با در نظر گرفتن مقوله محوری «هویت» از نظریه «برسازی»، در پی فهم تأثیرگذاری شاخصه‌های ژئوپلیتیکی ایران بر نگاه و رویکرد اتخاذی طرفین در پرونده هسته‌ای است. بدین منظور با بررسی و تحلیل میزان و نوع تأثیرگذاری شاخصه‌های ژئوپلیتیکی بر درک ج.ا.ایران از خود (هویت) و همچنین میزان و نوع تأثیرگذاری این شاخصه‌ها بر نگاه طرف مقابل (دگر) به سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران، در پرونده هسته‌ای پرداخته شده است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) است.

۲-۱- جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش استادان دانشگاه و پژوهشگران مرتبط با موضوع در رشته‌های روابط بین‌الملل، علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی، مطالعات منطقه‌ای و مدیریت استراتژیک است. حجم نمونه با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران و احتساب مفروضه‌های این فرمول با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی، تعداد ۹۰ نفر به شرح زیر است:

جدول شماره ۱: ویژگی‌های نمونه آماری

رشته تحصیلی					سطح تحصیلات			
مجموع	مدیریت استراتژیک	مطالعات منطقه‌ای	جغرافیای سیاسی	علوم سیاسی	روابط بین‌الملل	مجموع	دانشجوی دکتری	دکتری
۹۰	۶	۱۶	۲۸	۲۰	۲۰	۹۰	۵۰	۴۰

۲-۲- روایی و پایایی

در بحث روایی، با توجه به محقق ساخته بودن پرسشنامه، این پرسشنامه به تعداد ۱۶ نفر از

صاحب‌نظران در حوزه‌های روابط بین‌الملل، جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و مطالعات منطقه‌ای ارائه گردیده و دیدگاه‌های اصلاحی آن‌ها اعمال گردیده است. پایایی (اعتبار) پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرون‌باخ محاسبه شد. نتایج نشان‌دهنده ضریب آلفای کرون‌باخ (میانگین) ۰/۸۶ درصد است که نشان‌دهنده انسجام و ثبات درونی قابل قبول پرسشنامه است.

۳- ادبیات نظری

۳-۱- هویت برساخته

«هویت» یکی از مباحث مهمی است که به‌عنوان یک عامل معنایی مهم و پدیده‌ای اجتماعی، در جریان اصلی نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل نسبتاً مورد بی‌توجهی قرار گرفته است؛ و به‌عنوان یک بحث هستی‌شناسانه مهم، از آن برداشت نسبتاً جدیدی شده است (Rasoli, 2012: 181). از این منظر، آنچه که رفتار دولت‌ها را دستخوش تعدیل می‌سازد، ساخت هویت‌ها و منافع است که به‌صورت بین‌الذهانی ایجاد می‌شود (Ghavam, 2012: 327). هویت برساخت‌گرایانه، نه صرفاً ازلی‌انگارانه^۱ و از پیش داده^۲ شده است و نه صرفاً ابزارگرایانه^۳. همچنین، نه متصلب و ازلی است و نه سیال و نسبی. هویت هم حامل مایه‌های ثابت و هم پذیرای معناها و اشکال پویاست. در این معنا، هویت بازیگران همواره در حال پوست انداختن و بازتعریف است و سخن گفتن از هویتی ثابت و لایتغیر غیرممکن است (Nasri, 2006: 722).

از منظر صاحب‌نظران نظریه‌برسازی، شناخت هویت دولت‌ها در سیاست بین‌الملل و در جامعه داخلی، برای آن‌که دست‌کم حداقلی از پیش‌بینی‌پذیری و نظم را تضمین کند، ضروری هستند (Rasoli, 2012: 181). آن‌ها معتقدند که فراسوی توزیع عینی قدرت (تصور خردگرایان)، تصور و تلقی کشورها از توزیع قدرت دیگران قرارداد، هویت به ملت‌ها اجازه می‌دهد که جهان را معنادار کنند، به دسته‌بندی موجودیت‌های دیگر اقدام کنند واقعیتی سلسله

1- Primordial
2- Pregiven
3- Instrumental

مراتبی بسازند که از آن، «خود»، «دیگری و دوست و دشمن تعریف شده است» (Piraei, 2008: 66). زیرا کنشگران بر اساس تفسیری که می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام و اجرا می‌کنند و در نهایت جهان خود را می‌سازند (Smith, 2011: 83-85). بنابراین دولت نیز که برساخت‌های اجتماعی است در این ذهنیت جمعی مشارکت دارد و جهان را در این چارچوب درک می‌کند، دوستان، دشمنان، منافع، مطلوبیت‌ها، تهدیدها را تعریف می‌کند و کنش‌های خارجی خود را شکل می‌دهد. در سایه این تعاریف است که دولت‌ها و ملت‌ها، وضعیت موجود نظام بین‌الملل را «قابل تحمل» یا «غیرقابل تحمل» می‌یابند، کشورهای دیگر در مقام دوست، دشمن، یا بی‌طرف دسته‌بندی می‌شوند و کنش‌های آن‌ها به‌عنوان «تهدید» یا «دوستانه» یا تلقی خواهد شد. دولت‌ها باین تصورات در صدد تغییر یا حفظ نظم موجود برمی‌آیند، باکشوری متحد می‌شوند و علیه دیگری اقدام می‌کنند (Piraei, 2008: 66). بنابراین، در تحلیل برساخت‌گرایانه امور، نوع و میزان تعامل میان بازیگران تا حدود زیادی تابع این تفسیر است که چه کسی خودی و کدام بازیگر دگر ماست (Aghahosseini and Mahdian, 2015: 65).

برساخت‌گرایان معتقد هستند هویت‌ها با فراهم آوردن معنا، تردیدها را کاهش می‌دهند. از این رو با دادن توانایی به یک کشور برای شناخت دشمنان خود، می‌تواند تردیدها را جای نامنی قطعی بنشانند (Abdollahkhani, 2004: 209). نکته‌ای که نباید فراموش کرد این است که هویت‌ها فقط متفاوت نیستند، بلکه متحول هم هستند. بر این اساس، تفاوت امری است متحول یعنی حدود و ثغور تمایزهای فرهنگی رفته‌رفته متحول می‌شود. با پدیداری فرایندهای جدید، برداشت‌های متفاوت و نوع علامت‌های تبدلی بین بازیگران، محاسبات و مناسبات نیز متحول می‌گردد. به این ترتیب، هر مؤلفه و علامتی که روی برداشت دیگران تأثیر بگذارد، در نگرش کانستراکتیویستی معنادار و اثرگذار است (Nasri, 2006: 722-723).

برساخت‌گرایان امیدوارند با وارد کردن ساختارها، بازیگران، هویت‌ها، منافع، اندیشه‌ها در عرصه بازی بتوانند تغییرات مهم ایجاد شده در الگوی رفتاری را تشریح نمایند، حتی زمانی که توزیع قدرت همچنان دست‌نخورده و بدون تغییر باقی مانده باشد (Aghahosseini and

۲-۳- عوامل ژئوپلیتیکی ایران

ژئوپلیتیک، تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست و روابط دولت‌ها و یک عامل تأثیرگذار بر تولید قدرت است (Kalili and et al, 2014: 41). دانش ژئوپلیتیک، به مطالعه ابعاد فضای-جغرافیایی مناسبات قدرت و رفتار سیاسی بازیگران عرصه ملی و بین‌المللی می‌پردازد (Hafeznia, 2007: 22). ژئوپلیتیک به‌عنوان یک عرصه مطالعاتی می‌تواند راهبردهای سیاست خارجی کشورها را تعیین و اولویت اساسی آن‌ها را مشخص سازد (Ghalibaf and et al, 2008: 55).

عوامل ژئوپلیتیک یک کشور که می‌تواند تولیدکننده فرصت برای یک کشور باشد، به همان شکل می‌تواند محدودیت‌هایی را نیز ایجاد کند. برخی عوامل جغرافیایی سیاست و استراتژی ملی کشور را در یک حوزه ژئوپلیتیک منفعل و برای آن کشور نوعی چالش ژئوپلیتیک ایجاد کند (Ahmadipour and Lashgari, 2014: 3).

به‌صورت کلی، ژئوپلیتیک ایران در زمینه‌های ژئواستراتژیک (زمین-راهبردی)، ژئواکونومیک (زمین-اقتصادی)، ژئوکالچر (زمین-فرهنگی) و هیدروپلیتیک (آب و سیاست)، دارای ویژگی‌های برجسته قابل‌توجهی است که علاوه بر کارکردهایی که در «سیاست قدرت» دارند، در نگرش بخشی به کیستی کشور (هویت) و شکل‌گیری و تعریف منافع در داخل و خارج تأثیرات مشهودی دارند.

۱-۲-۳- ژئواکونومی

ژئواکونومی، مطالعه اثرگذاری زیربنای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای یا جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای یا جهانی است (Mojtahedzade, 2007: 131). ایران دارای قابلیت‌های زمین-اقتصادی مختلفی است اما برجسته‌ترین ویژگی ژئواکونومیک ایران در حوزه ژئوپلیتیک

تحلیل تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست امنیت ملی ... ۲۰۹

انرژی است. در این حوزه، ایران علاوه برداشتن موقعیت کانونی در جغرافیای انرژی جهان، دارنده چهارمین منابع نفتی و اولین دارنده ذخایر گاز طبیعی جهان است (BP, 2016: 6-22).

۳-۲-۳ ژئوکالچر

«ژئوکالچر»^۱ گشودن بحث در خصوص مفاهیم «فرهنگ» [و هویت] در جغرافیای سیاسی است (Akhbari and Moazen Jami, 2010: 32). می‌توان چنین عنوان نمود که مطالعه رابطه بین فرهنگ با همه عمق وسعت آن با سیاست و قدرت، موضوعی است که می‌تواند مورد توجه ژئوپلیتیک قرار گیرد (Hafeznia, 2007: 106)؛ بنابراین، «ژئوکالچر»، اثر برخوردی‌های فرهنگی بر شکل‌گیری‌های سیاسی است (Mojtahedzade, 2007: 132). ویژگی ژئوکالچری موردنظر این پژوهش، فرهنگ و هویت ایرانی در جغرافیای سرزمینی ایران است و از بنیادهای تاریخی، جغرافیایی و دینی- مذهبی (اسلامی-شیعی) شکل گرفته است.

۳-۲-۳ ژئواستراتژی

ژئواستراتژی در حقیقت علمی است که نقش عوامل محیط جغرافیایی را در تدوین راهبردها به‌طور اعم و راهبردهای نظامی به‌طور اخص مطالعه می‌کند (Ezzati, 2005: 10). همچنین می‌توان، کاربرد جغرافیای نظامی در سطح کلان و راهبردی را ژئواستراتژی نامید. «باقری افشردی» ژئواستراتژی را به شرح تعریف می‌نماید: «ژئواستراتژی علم و فن مطالعه روابط متقابل قدرت، راهبرد کلان نظامی و جغرافیاست» (Amini, 2015: 15).

ژئواستراتژی، در مشخص شدن مناطق ژئواستراتژیک دنیا در قالب راهبرد کلان نظامی (دریایی و زمینی و هوایی)، محاسبه و برآورد میزان قدرت ملی و فرا ملی کشورها بر اساس پارامترهای مختلفی مانند اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی در بستر جغرافیایی بزرگ و کلان در سطوح منطقه‌ای و جهانی می‌پردازد (Ibid). در این پژوهش موقعیت و وضعیت نظامی-راهبردی ایران در سطح منطقه‌ای ملاک ارزیابی است.

1- Geo-culture

۴-۲-۳- هیدروپلیتیک

هیدروپلیتیک از جمله زیرمجموعه‌های علم جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک است که به بررسی نقش آب در رفتارهای سیاسی با مقیاس‌های مختلف می‌پردازد» (Abdi and Mokhtari, 197: 2005). این دیدگاه به مطالعه اثر تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده از آب در شکل‌گیری‌های سیاسی در روابط بین‌الملل دولت‌ها با یکدیگر یا حتی روابط میان دولت‌ها و مردم در یک کشور می‌پردازد (Mojtahedzade, 2007: 131).

اگر در گذشته مسائل آب در مقیاس محلی مطرح بوده، اکنون و در آینده این مسائل در مقیاس‌های ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی نمود پیدا کرده است (Mahdian, 1392: 140). میزان وابستگی به جریان‌های سطحی ورودی از آن سوی مرزها، یکی دیگر از شاخص‌های آسیب‌پذیری یک کشور در قبال کمبود آب است (Barghi and Yosefi, 2010: 8). که در این پژوهش برای کشور ایران نیز صدق می‌کند. ایران یکی از کشورهایی است که به علت واقع شدن در منطقه پرفشار جنب حاره با کاهش شدید آب به‌خصوص در دهه اخیر مواجه است و نیازمندی کشور به جریان‌های آب ورودی از خارج از مرزها در حال افزایش است و همین امر در امنیت ملی کشور را برابر نیروهایی که خارج از کنترلشان قرار دارد آسیب‌پذیر ساخته است و با افزایش تقاضا برای آب، این آسیب‌پذیری، جدی‌تر می‌شود.

۴- یافته‌های تحقیق

عوامل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای

بر اساس مفروضات برساخت‌گرایانه، منافع کشورها در نظام بین‌الملل، ثابت و از پیش تعیین شده نیستند بلکه این هویت کنشگران (یعنی کیستی و چیستی آنان) است که منافع‌شان را شکل می‌دهد و تعریف می‌کند، بنابراین هویت‌ها، پایه و اساس منافع هستند و کشورها براساس هویتی که دارند، منافع خود را نیز تعریف می‌کنند (Smith, 2001: 226). از این رو، در این پژوهش تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی ایران بر شکل‌گیری هویت ایرانیان- یعنی کیستی و چیستی آنان از خودشان، بر اساس نگاهشان به عوامل ژئوپلیتیکی- و به تبع آن،

تحلیل تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست امنیت ملی ... ۲۱۱

تأثیرگذاری این نگاه بر سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. بر این اساس و در راستای پاسخ به مسئله اصلی پژوهش مبنی بر اینکه: مهم‌ترین ابعاد ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر سیاست خارجی و امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای کدامند؟، در ابتدا میزان تأثیرگذاری ویژگی‌ها و عوامل ژئوپلیتیکی ایران در زمینه‌های: ۱- ژئواستراتژیکی (زمین- راهبردی)، ۲- ژئوکالچر (زمین-فرهنگی)، ۳- ژئواکونومی (زمین-اقتصادی) و ۴- هیدروپلیتیک (سیاست آب) بر شکل‌گیری نگاه ایرانیان به خودشان و به تبع آن بر سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. که نتایج آن در ادامه آمده است.

جدول شماره ۲: میزان تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست امنیت ملی ایران در پرونده هسته‌ای

آزمون فریدمن (درصد میانگین اثرگذاری)	گویه‌های پرسشنامه
	میزان تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای
۲۹/۸ درصد	تأثیرگذاری وضعیت ژئوکالچری (زمین-فرهنگی) کنونی ایران بر شکل‌گیری نگاه و رویکرد اتخاذی ایران در پرونده هسته‌ای
۲۸/۲ درصد	تأثیرگذاری وضعیت زمین-راهبردی کنونی ایران بر شکل‌گیری نگاه و رویکرد اتخاذی در پرونده هسته‌ای
۲۵/۷ درصد	تأثیرگذاری وضعیت ژئواکونومیک (زمین-اقتصادی) کنونی ایران بر شکل‌گیری نگاه و رویکرد اتخاذی در پرونده هسته‌ای
۱۶/۳ درصد	تأثیرگذاری وضعیت هیدروپلیتیک ایران بر شکل‌گیری نگاه و رویکرد اتخاذی ایران در پرونده هسته‌ای

در بررسی میزان تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر شکل‌گیری نگاه و رویکرد اتخاذی ایران در پرونده هسته‌ای، بعد ژئوکالچر (عوامل فرهنگی- مذهبی) با ۲۹/۸ درصد بالاترین میزان اثرگذاری را نشان می‌دهد. به طوری که حدود ۸۴/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان درجه اثرگذاری این عامل بر نگاه و رویکرد اتخاذی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای را زیاد (۳۵/۶ درصد) و خیلی زیاد (۴۸/۹ درصد) ارزیابی کرده‌اند و ابعاد ژئواستراتژیکی (زمین-راهبردی) با ۲۸/۲ درصد، ژئواکونومی (زمین-اقتصادی) با ۲۵/۷ درصد و هیدروپلیتیک با ۱۶/۳ درصد در

رده‌های بعدی اثرگذاری قرار دارند.

پس از بررسی میزان تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران بر نگاه و سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای، نوع تأثیرگذاری این عوامل از لحاظ تأثیرگذاری مثبت (به‌عنوان محرک و مشوق برای پیگیری مؤثرتر برنامه هسته‌ای) و منفی (به‌عنوان عامل منفی و بازدارنده) مورد ارزیابی قرار گرفت که نتیجه آن در جدول‌های شماره (۳) و (۴) آورده شده است.

جدول شماره ۳: تأثیرگذاری مثبت (محرک) عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست امنیت ملی ایران در پرونده هسته‌ای

آزمون فریدمن (درصد میانگین اثرگذاری)	گویه‌های پرسشنامه
	تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای
۲۸/۵ درصد	تأثیرگذاری مثبت (محرک) عوامل زمین-فرهنگی ایران بر شکل‌گیری نگاه و رویکرد اتخاذی در پرونده هسته‌ای
۲۵/۱ درصد	تأثیرگذاری مثبت (محرک) عوامل زمین-راهبردی ایران بر شکل‌گیری نگاه و رویکرد اتخاذی در پرونده هسته‌ای
۲۳/۹ درصد	تأثیرگذاری مثبت (محرک) وضعیت هیدروپلیتیک ایران بر شکل‌گیری نگاه و رویکرد اتخاذی ایران در پرونده هسته‌ای
۲۲/۵ درصد	تأثیرگذاری مثبت (محرک) وضعیت زمین-اقتصادی ایران بر شکل‌گیری نگاه و رویکرد اتخاذی در پرونده هسته‌ای

در بررسی نوع تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر نگاه و سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای، بعد ژئوکالچر یعنی عوامل فرهنگی-مذهبی با ۲۸/۵ درصد، بالاترین میزان اثرگذاری مثبت (از نظر ترغیب‌کنندگی) را در بین عوامل ژئوپلیتیکی به خود اختصاص داده است به طوری که حدود ۸۹ درصد از پاسخ‌دهندگان، درجه اثرگذاری این عامل بر شکل‌گیری نگاه مثبت و محرک امنیت ملی در پرونده هسته‌ای را، خیلی زیاد (۵۱/۲ درصد) و زیاد (۳۷/۸ درصد) ارزیابی کرده‌اند و ابعاد ژئواستراتژی (زمین-راهبردی) با ۲۵/۱ درصد، هیدروپلیتیک با ۲۳/۹ درصد و ژئواکونومی (زمین-اقتصادی) با ۲۲/۵ درصد، در رده‌های بعدی اثرگذاری مثبت بر سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای قرار دارند.

جدول شماره ۴: تأثیرگذاری منفی (بازدارنده) عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست امنیت ملی ایران در پرونده هسته‌ای

آزمون فریدمن (درصد میانگین اثرگذاری)	گویه‌های پرسشنامه
	تأثیرگذاری منفی عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای
۳۷/۰ درصد	تأثیرگذاری منفی (بازدارنده) عوامل زمین-اقتصادی ایران بر شکل‌گیری نگاه و رویکرد اتخاذی در پرونده هسته‌ای
۲۳/۲ درصد	تأثیرگذاری منفی (بازدارنده) عوامل زمین-راهبردی ایران بر شکل‌گیری نگاه و رویکرد اتخاذی در پرونده هسته‌ای
۲۰/۵ درصد	تأثیرگذاری منفی (بازدارنده) عوامل زمین-فرهنگی ایران بر شکل‌گیری نگاه و رویکرد اتخاذی در پرونده هسته‌ای
۱۹/۳ درصد	تأثیرگذاری منفی (بازدارنده) عوامل هیدروپلیتیک ایران بر شکل‌گیری نگاه و رویکرد اتخاذی در پرونده هسته‌ای

بررسی تأثیرگذاری منفی عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای نیز نشان می‌دهد، در بین عوامل ژئوپلیتیکی ایران، بعد هیدروپلیتیک با ۱۹/۳ درصد، پایین‌ترین میزان اثرگذاری منفی را داشته است به طوری که حدود ۷۳/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان درجه اثرگذاری این عامل بر شکل‌گیری نگاه منفی و بازدارنده در سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای را خیلی کم (۴۲/۳ درصد) و کم (۳۱/۱ درصد) ارزیابی کرده‌اند. اما عوامل زمین-اقتصادی ایران با ۳۷ درصد بالاترین میزان اثرگذاری منفی را نشان می‌دهند و ابعاد زمین-راهبردی با ۲۳/۲ درصد و ژئوکالچر با ۲۰/۵ درصد، در رده‌های بعدی اثرگذاری منفی بر سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای قرار دارند.

بایستی در نظر داشت که هرچند، برساخت‌گرایان، هویت و منافع منبعث از آن را ریشه در فهم کنشگر از خود می‌دانند، اما معنای این فهم اغلب وابسته به این است که آیا سایر کنشگران نیز کنشگر و منافع او را به همان شکل بازنمایی می‌کنند یا نه؟ و این نشان‌دهنده بعد بینذهنی هویت است. به این معنا که در ساخت هویت دو انگاره وارد می‌شود: انگاره‌های «خود» و انگاره‌های «دیگری» (Wendt, 2005: 325-326). از این رو، با توجه به اینکه،

ساختارها و انگاره‌های درونی و بیرونی هر دو در برسازای هویت‌ها و منابع منبث از آن‌ها تأثیرگذار هستند (Saaei and Alikhani, 2013: 10)، در این بخش از پژوهش، میزان تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی ایران بر شکل‌گیری نگاه منفی طرف مقابل یعنی اعضای ۵+۱ به‌خصوص ایالات‌متحده آمریکا و کشورهای غربی به سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای نیز مورد ارزیابی قرار گرفته که نتیجه آن در جدول شماره (۵) آمده است.

جدول شماره ۵: میزان تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر شکل‌گیری نگاه طرف مقابل (اعضای ۵+۱) به سیاست امنیت ملی ایران در پرونده هسته‌ای

گویه‌های پرسشنامه	آزمون فریدمن (درصد میانگین اثرگذاری)
تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی ایران بر شکل‌گیری نگاه منفی طرف مقابل (اعضای ۵+۱) به سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای	
تأثیرگذاری عوامل زمین-فرهنگی ایران بر شکل‌گیری نگاه منفی طرف مقابل به سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای	۳۰/۱ درصد
تأثیرگذاری وضعیت و جایگاه زمین-راهبردی ایران بر شکل‌گیری نگاه منفی طرف مقابل به سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای	۲۷/۹ درصد
تأثیرگذاری وضعیت و جایگاه زمین-اقتصادی ایران بر شکل‌گیری نگاه منفی طرف مقابل به سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای	۲۵/۸ درصد
تأثیرگذاری وضعیت هیدروپلیتیک ایران بر شکل‌گیری نگاه منفی طرف مقابل به سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای	۱۶/۲ درصد

در ارزیابی میزان تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران بر شکل‌گیری نگاه و برداشت منفی و در نتیجه اتخاذ رویکرد تقابلی طرف مقابل یعنی اعضای ۵+۱ به‌خصوص ایالات‌متحده آمریکا و کشورهای غربی نسبت به سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای، عامل ژئوکالچر (هویت فرهنگی-مذهبی) با ۳۰/۱ درصد بالاترین اثرگذاری منفی را به خود اختصاص داده است به طوری که حدود ۸۴/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان درجه اثرگذاری این عامل بر شکل‌گیری نگاه و برداشت منفی طرف مقابل به سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای را خیلی زیاد (۵۵/۶ درصد) و زیاد (۲۸/۹ درصد) ارزیابی کرده‌اند و عوامل زمین-راهبردی با ۲۷/۹ درصد، زمین-اقتصادی با ۲۵/۸ درصد و هیدروپلیتیک با ۱۶/۲ درصد، در

رده‌های بعدی اثرگذاری منفی بر دیدگاه طرف مقابل را قرار دارند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی گردید از منظر برساخت‌گرایی، تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست خارجی و امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. تفاوت این رویکرد با سایر رویکردها از جمله رویکرد رئالیسم- که بر وجوه قدرت و امنیت محور متغیرهای ژئوپلیتیک تأکید دارند-، این است برساخت‌گرایان معتقدند که فراسوی توزیع عینی قدرت (تصورخردگرایان)، تصور و تلقی کشورها از «خود» و «دیگران» -یعنی «هویت»- قرار دارد. هویت و منافع کشورها در پیوند با یکدیگر هستند و کشورها بر اساس هویتی که دارند منافع خود را تعیین می‌کنند و بر همین راستاست که نقش ملی آن‌ها مشخص می‌شود. هویت‌ها بیان می‌دارند بازیگران چه کسانی هستند و بر این اساس چه منفعی دارند و چه رویکردی بایستی اتخاذی نمایند. بر این اساس، این پژوهش با محور قرار دادن مقوله «هویت»، به بررسی تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی ایران بر سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای از نظر میزان و نوع اثرگذاری-مثبت و ترغیب‌کننده، منفی یا بازدارنده-، از یک سو، و نگاه طرف مقابل به سیاست هسته‌ای ایران از سوی دیگر، پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد از نظر میزان اثرگذاری، در بین عوامل ژئوپلیتیکی ایران، عوامل زمین-فرهنگی ج.ا.ایران بالاترین میزان اثرگذاری را به خود اختصاص داده و عوامل زمین-راهبردی، زمین-اقتصادی و هیدروپلیتیک نیز به ترتیب در رده‌های بعدی اثرگذاری قرار دارند.

در بررسی نوع تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران نیز، عوامل فرهنگی-هویتی بالاترین اثرگذاری مثبت را نشان می‌دهد و ابعاد زمین-راهبردی، هیدروپلیتیک و زمین-اقتصادی، در رده‌های بعدی اثرگذاری مثبت قرار دارند.

دلیل تأثیرگذاری بالای عوامل زمین-فرهنگی بر سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای، هویتی بودن نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و منافع تعریف شده توسط این هویت است. از منظر برساخت‌گرایی، هویت به ملت‌ها اجازه می‌دهد که جهان را معنادار کنند،

به دسته‌بندی موجودیت‌های دیگر اقدام کنند واقعیتی سلسله مراتبی بسازند که از آن، «خود»، «دیگری» و «دوست» و «دشمن» تعریف شده است. دولت نیز که برساخت‌های اجتماعی است در این ذهنیت جمعی مشارکت دارد و جهان را در این چارچوب درک می‌کند، دوستان، دشمنان، منافع، مطلوبیت‌ها، تهدیدها را تعریف می‌کند و کنش‌های خارجی خود را شکل می‌دهد. هویت ایرانی-شیعی نظام ج.ا.ایران نیز با ویژگی‌هایی از جمله آرمان‌گرایی و برتری‌طلبی ایرانی در کنار عزت‌گرایی شیعی، کسب عزت و بالا بردن اعتبار و جایگاه ج.ا.ایران در منطقه و جهان اسلام را در اولویت منافع قرار داده است. از منظر امنیت هستی‌شناختی، مسئولان ج.ا.ایران، مهم‌ترین تهدید کنونی علیه نظام را تهدیدات هویتی می‌دانند. در این نگاه، کسب عزت و اعتبار- که یکی از آن‌ها را دست‌یابی مستقلانه به دانش و تکنولوژی هسته‌ای می‌دانند- امنیت هویتی را در پی دارد و عکس این قضیه نیز صادق است، یعنی تنزل عزت و به تعبیری ذلت، که تن دادن به خواسته‌های «دگر هویتی» در مذاکرات هسته‌ای را از مصادیق آن می‌دانند- تهدید امنیت هویتی و در نتیجه وجودی برای ج.ا.ایران است. نگاه یادشده، مسئولان ج.ا.ایران را برای پیگیری برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز به‌عنوان دانش و فناوری‌ای ارزشمند و راهبردی- با وجود فشارهای سیاسی، تحریم‌های شدید اقتصادی و تهدیدات نظامی-، جدیدی‌تر نموده است.

در بررسی تأثیرگذاری منفی عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای، در بین ابعاد ژئوپلیتیک، بعد هیدروپلیتیک، پایین‌ترین میزان اثرگذاری منفی را به خود اختصاص داده است. اما بعد زمین-اقتصادی، بامیزان اثرگذاری منفی را نشان می‌دهد و عوامل زمین-راهبردی و زمین-فرهنگی، نیز در رده‌های بعدی اثرگذاری منفی بر سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای قرار دارند.

در ارزیابی میزان تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران بر نگاه و برداشت طرف مقابل یعنی اعضای ۵+۱ به‌خصوص ایالات متحده آمریکا و کشورهای غربی به برنامه هسته‌ای ایران، عوامل زمین-فرهنگی بالاترین اثرگذاری منفی را به خود اختصاص داده است و پاسخ‌دهندگان درجه اثرگذاری این عامل بر شکل‌گیری نگاه و برداشت منفی طرف مقابل یعنی اعضای ۵+۱

به سیاست امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای را ارزیابی کرده‌اند و ابعاد زمین-راهبردی، زمین-اقتصادی و هیدروپلیتیک، به ترتیب در رده‌های بعدی اثرگذاری منفی بر دیدگاه طرف مقابل دارند.

در توضیح بالا بودن میزان اثرگذاری عوامل فرهنگی-هویتی ج.ا.ایران بر شکل‌گیری نگاه و برداشت منفی طرف مقابل؛ باید عنوان داشت که از منظر رویکرد برسازی، دولت‌ها، در سایه نوع نگاهشان به یکدیگر، وضعیت موجود نظام بین‌الملل را «قابل تحمل» یا «غیرقابل تحمل» می‌یابند، کشورهای دیگر در مقام دوست، دشمن یا بی‌طرف دسته‌بندی می‌شوند و کنش‌های آن‌ها به‌عنوان «تهدید» یا «دوستانه» یا تلقی خواهد شد. دولت‌ها با این تصورات درصدد تغییر یا حفظ وضعیت موجود برمی‌آیند، با کشوری متحد می‌شوند و علیه دیگری اقدام می‌کنند. از این‌رو در چارچوب یادشده، می‌توان دلیل اصلی بدبینی و مخالفت مجموعه غرب و به‌خصوص ایالات متحده آمریکا با برنامه هسته‌ای ایران بدین‌صورت بیان نمود که آن‌ها، ج.ا.ایران را «دگر هویتی» «خود» می‌دانند. این نگاه و رویکرد، از عوامل مختلفی نشأت گرفته است. تفاوت‌های معنایی و ارزشی دو طرف و سیاست‌های اعلامی ج.ا.ایران، از عوامل اصلی «دگر» شدن ایران برای مجموعه غرب و به‌خصوص ایالات متحده آمریکاست. بنابراین، هویتی بودن و تضاد ایدئولوژیک ج.ا.ایران با نظام ارزشی و معنایی غرب، از دلایل اصلی بدبینی اعضای غربی ۵+۱ نسبت به برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران است. این نگاه غرب به ایران، علاوه بر سیاست‌های اعلامی ج.ا.ایران، پشتوانه نظری نیز دارد. «ساموئل هانتینگتون» در نظریه برخورد تمدن‌ها که در آن از احتمال نزدیکی و یا اتحاد تمدن‌های اسلامی و کنفوسیوسی و برخورد آن‌ها با تمدن غرب سخن گفته است، ایران را مرکز تمدن اسلامی می‌داند (Nami, 2008: 283).

بعد ژئوپلیتیکی دیگر ایران که بر سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای تأثیرگذار است، اهمیت و جایگاه زمین-راهبردی ایران است. در نظریات اکثر تئوری پردازان روابط بین‌الملل از جمله ژئوپلیتیسین معروف «سئول بی کوهن»، ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای معرفی شده است. مبنای چنین تعریفی از قدرت ایران نیز عمدتاً به‌واسطه برخورداری از ظرفیت‌ها و

مزیت‌های ژئوپلیتیکی است که موجب افزایش دامنه‌های تأثیرگذاری آن در سال‌های اخیر بر روندهای منطقه‌ای و بین‌المللی شده است (Shafie, 2014: 2). برژینسکی، نیز معتقد است، ایران از نظر زمین-راهبردی در خاورمیانه‌ای که برای منافع راهبردی گوناگون آمریکا بسیار حیاتی است، موقعیتی مرکزی دارد. رهبران سیاسی و تحلیل‌گران ژئوپلیتیک ایالات متحده با این حقیقت ژئوپلیتیک روبرو هستند که «هارتلند» به دنیای مطالعات ژئوپلیتیک بازگشته است و از محل کلاسیک خود اندکی به سوی جنوب متمایل شده و میان دریای خزر و خلیج فارس قرار گرفته است، به گونه‌ای که ایران در قلب این هارتلند جدید موسوم به «بیضی راهبردی انرژی»^۱ قرار گرفته است. همین امر پذیرش یک قدرت هسته‌ای نوظهور در مرکز هارتلند جدید از سوی قدرت‌های جهانی به خصوص ایالات متحده آمریکا را سخت نموده است.

اما دلیل تأثیرگذاری منفی وضعیت زمین-راهبردی ایران، بر سیاست امنیت ملی در پرونده هسته‌ای را می‌توان به میزان بالای منابع انرژی ایران (اولین دارنده گاز طبیعی و چهارمین دارنده نفت خام جهان) (BP, 2016: 6-22) و در نتیجه نیازمندی کمتر کشور به سایر منابع انرژی، از یک سو، وابستگی شدید اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از فروش منابع انرژی (نفت و گاز) از سوی دیگر، ارتباط داد. بنابراین، از نگاه بخشی از مسئولان و صاحب‌نظران داخلی، ایران با وجود داشتن بالاترین ذخایر (مجموع نفت و گاز جهانی)، -آن هم در شرایطی که تحریم‌های هسته‌ای، کاهش شدید درآمدهای اقتصادی و از دست رفتن سرمایه‌گذاری و دیگر فرصت‌های ژئواکونومیک را در پی داد- نیاز حیاتی و مبرم به پیگیری برنامه و انرژی هسته‌ای ندارد. از سوی دیگر موارد یادشده در خصوص عوامل زمین-اقتصادی ایران نیز، به شکل‌گیری نگاه و رویکرد منفی طرف مقابل (اعضای ۵+۱ به خصوص آمریکا و دیگر کشورهای غربی) به برنامه هسته‌ای ایران شده است. از دیدگاه طرف‌های غربی، ج.ا.ایران با داشتن منابع سرشار نفتی و گازی به صورت طبیعی نیاز چندانی به انرژی هسته‌ای ندارد و هدف اصلی ایران از پیگیری برنامه هسته‌ای، دستیابی به توانمندی ساخت تسلیحات هسته‌ای است.

1-The strategic energy ellipse

دلیل اصلی پایین بودن تأثیرگذاری منفی مسائل هیدروپلیتیک بر نگاه امنیت ملی ج.ا.ایران در پرونده هسته‌ای نیز واقعیت‌های هیدرواقليمی حاکم بر کشور است. بنابر آمارها و اظهارات مقامات رسمی کشور، مجموع ذخایر کنونی آب ایران؛ فقط می‌تواند جوابگوی مصرف جمعیت حدود ۸۰ میلیون نفر باشد؛ حال اگر جمعیت ایران با توجه به رشد فعلی آن، طی سال‌های پایانی دهه ۱۳۹۰ شمسی به رقمی به مراتب بالاتر از میزان یادشده برسد، این میزان آب نمی‌تواند تأمین‌کننده مصارف کشاورزی و نیز آب شرب مصرفی روزانه مردم باشد.

در حال حاضر، متوسط امکانات بالقوه آب برای کشاورزی، معادل با ۷۱۴ متر مکعب در سال برای هر هکتار است؛ در صورتی که رقم مشابه در سطح خشکی‌های جهان، یعنی سهم هر هکتار از خشکی‌های زمین از امکانات بالقوه منابع آب دنیا، نزدیک به ۳۰۰۰ متر مکعب در سال است. هم‌چنین سهم هر فرد ایرانی از جمعیت کنونی ایران ۲۱۰۰ متر مکعب در سال است که در مقام مقایسه با میانگین جهانی ۷۶۰۰ متر مکعب، رقم پایینی را نشان می‌دهد. این وضعیت در حالی است که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵ میلادی، میزان سرانه آب ایران به رقمی بین ۷۶۰ تا ۷۷۶ متر مکعب در سال کاهش یابد (Barghi and Yosefi, 2010: 8). وضعیت یادشده در کنار این موضوع که نیروگاه‌های هسته‌ای قابلیت آب‌شیرین‌کنی قابل‌توجهی حداقل برای نوار ساحلی و کم‌آب جنوبی کشور دارند، باعث گردیده بعد هیدروپلیتیک ایران اثرگذاری مثبتی بر نگاه مسئولان ج.ا.ایران به برنامه هسته‌ای داشته باشد. در مقابل، آگاه بودن طرف مقابل از واقعیت‌های هیدروپلیتیک ایران، باعث گردیده هیدروپلیتیک کمترین اثرگذاری منفی را بر نگاه طرف مقابل (یعنی اعضای ۱+۵) به برنامه هسته‌ای ایران داشته باشد.

۶- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان و دانشگاه امام علی (ع) به جهت حمایت‌های مادی و معنوی از انجام پژوهش حاضر در قالب رساله دکتری، تشکر و قدردانی نمایند.

References

1. Agha Hosseini, Alireza and Mahdian, Hossein (2015); Constructivist Analysis of the United Arab Emirates claims on three Iranian islands, Tehran, Journal of geopolitics, the eleventh year, the second issue [in Persian].
2. Akhbari, Mohammad, Moazen, Jami and Muhammad, Hadi(2010); Drawing pattern-based network promoting cultural map of geo-culture, case study: the metropolis of Tehran, Journal of Geopolitics, Tehran, Iran's geopolitical, the second issue[in Persian].
10. Atai, Farhad and Mansouri Moghadam, Mohammad. (2013), Genealogy of the foreign policy of Saudi Arabia, Tehran, Foreign Relations Quarterly, No. 1[in Persian].
11. Abdi, Ataollah and Mokhtari, Hossein (2005); Look at the Iran's hydropolitics opportunities and threats, Proceedings of the Second Congress of geopolitics, Tehran, Iran's geopolitical Association[in Persian].
12. Abdullah Khani, Ali. (2004); Security Theories: An Introduction to the doctrine of national security planning (1), Tehran, Cultural Institute of Abrar Moaaser Tehran, International Studies and Research[in Persian].
13. Ezzati, ezatollah (2005); Geo-strategy, Tehran, Samt. Fourth Edition[in Persian].
14. Ezzati, Ezatollah and Jamal, Ahmadi Silveh (2010); Spatial analysis ethnic crisis in the Middle East (A Case Study of Iranian Kurds), Journal of Human Geography, Islamic Azad University of Garmsar, No. 2, Spring[in Persian].
15. Piriaei, Mohsen. (2008); Constructivist perspective to Europe and America's Oppositeness with Iran's nuclear program, gift Quarterly, No. 20[in Persian].
16. Mojtahedzadeh, Pirouz (2002); Political Geography and Geopolitics, Tehran, SAMT[in Persian].
17. Mojtahedzadeh, Pirouz (2007); Iranian Democracy and identity, Tehran, Kavir Publications [in Persian].
18. Mahdian, Hossein. (2013), Islamic Republic of Iran's Geopolitics and national security, Tehran, Dafows Aja[in Persian].
19. Mottagi, Abraham and Kazemi, Hojjat (Winter 2007); Constructivism, identity, language and foreign policy of the Islamic Republic of Iran, Journal of Politics, Tehran Un, Faculty of Law and Political Science, Volume 37, No. 4[in Persian].
20. Nami, MH (2008); The World's Situation of Persian Gulf and Iran's role in global security, Proceedings of the National Conference on Global Strategic Developments in the Persian Gulf, Islamic Azad University of Garmsar, November[in Persian].
21. Nasri, Ghadir (2006); Constructivist understanding of the political affair, Tehran, Strategic Studies Quarterly, Year 4, No. 4[in Persian].

22. Shafiee, Nowzar (2014); The geopolitics of Iran and the nuclear issue, Tehran, AFP online news analysis, news Code 392 333[in Persian].
23. Smith, Anthony D(2011), Nationalism, London, Polity Press.
24. Rasouli Sani abadi, Elham (spring 2012); Verify the identity of the Islamic Republic of Iran from the perspective of Constructivism, Political Science Quarterly, Year 15, No. 27[in Persian].
25. Rostami, F and Tabakhi Mamaghani, MJ (2011); Analysis of the Persian Gulf region's pattern, the Persian Gulf and Security Journal, Issue 118[in Persian].
26. Wendt, A. (2004); The state as person in international theory, Review of International Studies, vol. 30.
27. www.fararu.com/fa/news/259582.
28. www.khabaronline.ir/detail/392333/World/middle-east.
3. Amini, Davod. (2016); military geography, Tehran, Defense Strategy Research Center, geopolitics Committee[in Persian].
4. Barghei, Hamid and Ghanbari, Yosef (2010); The crisis of water resources a key challenge in the Muslim world, Proceedings of the Fourth International Congress of Islamic World Geographers, Zahedan, April[in Persian].
5. BP Statistical Review of World Energy June 2016 .bp.com/statisticalreview.
6. Geoffrey Kemp and Harkavi, Robert (2004); Strategic geography of the Middle East, translated by Mehdi Hosseini Matin, Tehran, Institute for Strategic Studies[in Persian].
7. Jaafari W, Asghar. (2003); Foreign Affairs of Iran (after the Islamic Revolution), Tehran, Avayeh Now[in Persian].
8. Hafeznia, MR (2007); Power and National Interests, Tehran. Entekhab[in Persian].
9. Khalili, Mohsen, Heidari, Jahangir and Asghari, Thani, Hussein and Sayadi, H. (2014); Genomes codes of conduct in Iran's foreign policy and Russia's geopolitical influence, Tehran, Global Politics, Volume 3, Number 1, Spring[in Persian].
- Rabbani, R. and Ahmadi, Y (August and September 2006); Globalization and the future of indigenous cultures, Tehran, political-economic data, the nineteenth year, Vol 11[in Persian].